

جلسه ۵

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه

۲۵ ذی قعدة ۱۳۳۹ مطابق ۹ اسد ۱۳۰۰

مجلس تقریباً دو ساعت و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤمن الملك تشکیل و صورت مجلس پنجشنبه ۲۲ را آقای نصرت الدوله قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست یا نه .

حائری زاده - اعتبار نامه آقای طباطبائی باتفاق آراء تصویب شد نه با کثرت

رئیس - دیگر اعتراضی نیست - (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد با پیشنهاد حائری زاده يك جزء دستور امروز راپورت شعبه ششم است راجع بانتخاب کرمانشاهان آقای طباطبائی مخالف بودند .

طباطبائی بلی آقا .

رئیس - بفرمائید .

طباطبائی - راجع بانتخاب کرمانشاهان همان طوریکه در جلسه قبل هم عرض کردم مخالف هستم ومخالفت بنده هم از نقطه نظر انتخابات است هم از نقطه نظر ...

سردار معظم - بلندتر بفرمائید

طباطبائی - عرض کردم بنده راجع بانتخابات کرمانشاهان مخالف هستم ومخالفت بنده از نقطه نظر انتخابات است هم از نقطه نظر شخص منتخب است البته بنابر وظیفه بایستی من امروز مخالفت خودم را عرض کنم و پس از آنکه بنده عقاید خودم را عرض کردم بدیهی است حکمیت را آقایان نمایندگان خواهند فرمود بنده وقتی آمدم جمعی از آقایان می متواتراً بینده اظهار کردند خوب است این مذاکرات در مجلس نشود یعنی مذاکراتیکه خارج از مسئله انتخابات است وفرمودند مهمانمکن باید رعایت حفظ مراتب مجلس بشود و مذاکرات بکمیسیون تحقیق رجوع بشود اگر مسئله حل نشد بعد از آن بتصویب مجلس موکول شود بنده چون يك مقصود شخصی و يك لجاجتی ندارم و فقط مقصودم آن بود که يك حقایقی که در نظر من ثابت و قطعی است عرض بکنم چون آخرین محکمه انتخابات مجلس شورای ملی است آن وقت بینیم نمایان آقایان نمایندگان چه چیز است علیهذا قبول کردم و گفتم اگر دیگران پیشنهاد بکننده بنده مخالفت نخواهم کرد اگر آقایان میخواهند خودشان پیشنهاد بکنند و خیلی هم اصرار کردم البته تصدیق میکنید که وظیفه بنده مقتضی نبود که این تقاضا را بکنم زیرا برای بنده مخطوراتی داشت که برای آقایان نداشت این عرض من در اینجا فقط از این نقطه نظر بود که بینده نتوانند بگویند ملاحظه حیثیات مجلس را نکردم ونصیحت آقایانرا گوش ندادم بنده هم قبول کردم ولی آقایان هیچکدام حاضر نشدند که خودشان این پیشنهاد را بکنند این است که حالا اینجا آمدم که عرایض بفرضا خود را بعرض آقایان برسانم آمدم بفرم مسئله انتخابات اولاراجع بجریان انتخابات

مخالفی باقانون انتخابات درجریان و عملیات انتخابیه کرمانشاهان ندیده وبالنتیجه صحت انتخابات آنجا و نمایندگی شاهزاده نصره الدوله را به (۱۹۴۶) و آقای معتضد الدوله را به (۱۸۶۷۵) رای تصدیق مینماید

رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی هست

طباطبائی - بنده مخالفم .

رئیس - پس میماند برای روزشنبه راپورتی است راجع به آقای طباطبائی قرائت میشود آقای حاج شیخ اسدالله راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند

شعبه ششم رسیدگی بدوسیه انتخابات حوزه ساوجبلاغ و شهریار وتوابع ونمایندگی آقای آقامیرزا محمد صادق طباطبائی نموده انتخابات حوزه مزبوره بقرار ذیل است .

انجمن مرکزی در تاریخ ۲۸ ذی حجه ۱۳۳۷ درقریه کردان تشکیل گشته و پس از اعلان انتخابات مدت ۱۶ روز در ساوجبلاغ تعرفه داده و ۵ روز اخذ رای نموده اند و در حوزه های جزء از قبیل شهریار و بلوک برقان و اشتهارد انجمن های جزء تشکیل و مطابق قانون انتخابات را جریان وخاتمه داده اند و آقای آقامیرزا محمد صادق طباطبائی با کثرت ۶۷۵۶ رای منتخب شده اند چیزی که در دوسیه دیده شده این است که در فاشند که در جدول انتخابات جزء حوزه های جزء نوشته شده انجمن جزء تشکیل نگشته شعبه در مقام کشف علت برآمد معلوم شد بواسطه قرب و نزدیکی بکردان انجمن مرکزی تشکیل انجمن را در آنجا لازم ندانسته و چند فقره شکایات هم در دوسیه بوده چون مواد شکایات با دلایل کافی دیده نشده شعبه نتوانست به شکایات ترتیب اثر بدهد و پس از افتتاح مجلس هم شکایاتی نرسیده لذا شعبه ششم باتفاق آراء صحت انتخاب و نمایندگی آقای آقا میرزا محمد صادق طباطبائی را از حوزه ساوجبلاغ وتوابع تصدیق مینماید .

رئیس - راجع باین راپورت مخالفی نیست (گفته شد خیر) رای میگیریم بنمایندگی آقای آقامیرزا محمد صادق طباطبائی آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب مینمایند قیام نمایند (جمع کنیری قیام نمودند) رئیس تصویب شد چون ظهر شده است بقیه اعتبار نامه را اگر تصویب نمائید بماند برای روزشنبه چهار ساعت قبل از ظهر .

مدرس - بماند برای يكشنبه چون روزشنبه شعبه ها کار دارند .

آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم روز يكشنبه باشد .

رئیس - پیشنهاد میشود جلسه روز يكشنبه باشد آقایانیکه روز يكشنبه را برای تشکیل جلسه تصویب مینمایند قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس مؤمن الملك

انجمن نظارت حوزه سنقر و علمای آنجا و طبقات دیگر اهالی صحت و آزادی جریان انتخابات آنجا را تصدیق کرده اند و راجع به مجروح شدن دونفر هم تکذیب نموده اند ثانیاً يك ورقه که موسوم به دوسیه عدلیه نموده و ورقه نظام دیوان که مدرک اظهار شکایت کنندگان قرار داده شده است بهیچوجه از اعمال نفوذ تهدید در جریان انتخابات حاکمی نبوده بلکه مربوط به استرداد اموال غلام موسی میباشد بنابراین دوسیه عدلیه و اعتراض بجریان انتخابات برای شعبه مکشوف نگردید و این اعتراض غیر وارد است و مدلول اعتراض ششم (اعمال نفوذ در حوزه هرسین است که از طرف امیر کل بوسیله اعظم السلطنه میگویند اعمال شده است و برای تأیید این ادعا دو فقره مکتوب یکی بامضای حسن نام و دیگری بامضای رئیس العلماء ارائه مینماید شعبه پس از دقت در صورت مجلس هرسین و نیافتن هیچ نوع شکایتی در موقع جریات انتخابات و تصدیق صحت آن از طرف انجمن نظارت که از جمله رئیس العلماء بوده است این شکایت را وارد ندانسته و مورد توجه قرار نمیدهد (مدلول شکایت هفتم) راجع بحوزه کردند هم يك فقره شکایت بمهر ۲۳ نفر و يك سیوالی از سیف السادات نام که مستخدم امنیه بوده است ملاحظه شد نظر باینکه اظهارات آنها دلیل و مدرکی نداشت طرف توجه شعبه واقع نگردیده (مدلول شکایت هشتم) راجع به کنگاور اخیراً ورقه سؤال و جوابی منتسب به شیخ عبدالصمد رئیس انجمن کنگاور از طرف آقا شیخ علی بشعبه داده شده که در جواب مینویسد که منتخبین را غالب رأی دهندگان نمی شناسند و از سوء جریان انتخاب مکرر ایراد نمودم جوابی نشنیدم اولاً آقا شیخ عبدالصمد در صورت مجلس انتخابات کنگاور صحت جریان انتخابات را تصدیق نموده و تا موقع دایر بودن امر انتخابات بهیچوجه تعرض نکرده بعلاوه مهر این سؤال با مهری که در صورت مجلس انتخابات است بکلی مخالف و در صورتیکه این ورقه را بایشان هم میتوان نسبت داد براین اعتراض که مدتی بعد از جریان انتخابات و بعد از تصدیق حتمی که در موقع خود شده ترتیب اثری نمیتوان داد اوراقی هم که راجع به تهدید آقا شیخ علی وغیره بآن استشهاد میشود در آن ذکری از انتخابات نبوده بلکه حاکی از یاره اعتراضات اخلاقی است که نسبت به آقا شیخ علی آخوندزاده در دو ورقه بی امضاء نوشته شده داده اند که ذکر آنها در راپورت غیر لازم و خارج از نزاکت است در مقابل شکایات واصله عمده کنیری از طرف احزاب و طبقات مختلفه علماء و آقایان و اهالی شهر اطراف و ایلات از قبیل کلهر تلگرافات عدیده بامضای معارف مبنی بر تصدیق صحت انتخابات آن حدود و تکذیب شکایت کنندگان مغایره کرده اند شعبه پس از مذاقعه کامل

میخواستم اینرا عرض کنم که اگر آقایان نمایندگان بایک نظر انصاف و بیطرفی بحال کرمانشاهان در موقع انتخابات آنجا رجوع بکنند برای عدم تصویب این اعتبارنامه هیچ محتاج نیست بدوسیه مراجعه شود زیرا که انتخابات کرمانشاه در سال ۱۳۳۷ بود و در آن موقع يك كابينه دز طهران وجود داشت که حقیقه کابینه اقتدار کابینه دیکتاتوری - کابینه آمریت بود و حاکمیت آن کابینه نسبت تمام قوانین موضوعه مجلس بهیچیک از آقایان و کلاء پوشیده نیست حتی آقایانیکه آن کابینه را منتهی درجه شدت تنقید میکردند در این مجلس هستند در آنموقع اخوی حضرت والا منتخب کرمانشاه در آنجا حکومت داشت معلوم است جریان اغلب انتخابات در این دوره بر هیچکس مخفی نیست دخالت حکومت و غالب مامورین نظامی حکومتی که بدین مقدمه حبس و نفی و اعدام میکردند معلوم است چقدر در انتخابات تاثیر دارد قانون انتخابات حاکم را صلاحیت انتخاب شدن نمیدهد طبیعی است از نقطه نظر صلاحیت گمان نمیکنم مابین يك برادری مثل شاهزاده سالار لشکر با خود آقای نصرت الدوله بتوان فرق گذاشت زیرا اگر آقای نصرت الدوله خودشان در آنجا تشریف داشتند و میخواستند انتخاب شوند پیش از آقای سالار لشکر اعمال نفوذ نمیکردند حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله کرمانشاهی نیستند که بگویم بواسطه تمایلات ولایتی انتخاب شده اند اگر از نقطه انتخاب میشدند که حاکم آنجا اخوی ایشان و مأمورین جزء و کل آنجا از بستگان خودشان نبوده شاید بنده در این قضیه آنقدر اهتمام نمیکردم اما با این ملاحظه باز لازم است که بنده عرض کنم که انتخاب کرمانشاه از روی آزادی عقیده نبوده و مبنی بر اجبار بوده است آیا با این حال لازم است بنده يك اسنادی اینجا ارائه بدهم؟ در حالیکه هر آدم متمعقی در مرتبه اولی میتواند بفهمد که انتخاب يك چنین محلی مبنی بر آزادی نبوده در اینموقع یا همه آقایان نمایندگان یا اکثر آقایان میدانند که در طهران يك کمیسیون وجود داشت رسمی یا غیر رسمی که حالا بنده نمیخواهم توضیحات بدهم ولی يك کمیسیون بود که غالب و کلا را کاندید و معین میکردند و خیلی اصرار میکردند در انتخاب آنها آقای نصرت الدوله در آن کمیسیون يك نفوذ فوق العاده داشتند بدیهی است از آن کمیسیون کاندیدا میشوند و شاهزاده اخویشان هر اقدامی کنند کسانشان همراهی میکنند با این حال شعبه ششم هیچ این حقایق را در نظر نمیگیرد و فقط بیکصورت ماست مالی اعتراضات معترضین را در هم و برهم میکند و تعمق و تأملی که باید در آنها بنماید و بحثی که باید بکند هیچ زنگرده فوراً میگوید که انجمن نظارت رد کرده بود و مدرکی در دست نبوده و اعتراضات آنها قابل توجه نبوده و چه و چه اگر شعبه رأی انجمن نظارت را قاطع میدانند پس باید

تصدیق کرد که معاکمه شعبه و معاکمه مجلس لغو است زیرا تصدیق انجمن نظارت و صورت مجلس انجمن نظارت کافی بود از اینکه مجلس او را يك وکیل ثابت الو کاله بداند پس ما هیچ نمیتوانیم اظهارات يك انجمن نظارتی را مستند قرار بدهیم مگر اینکه خودمان مستقیماً داخل مستندات و رأی انجمن نظارت بشویم و آنوقت خودمان بفهمیم که فلان انتخاب صحیح است یا باطل کاملاً از راپورت شعبه (اگر آقایان تعمق بکنند) مفهوم میشود که شعبه هیچ همچو تحقیقاتی نکرده لایحه اعتراض معترضین را اگر نگاه کنیم می بینیم در هر يك از مسائل يك اعتراضی هست اولاً راجع باستعفای انجمن نظارت در این لایحه اعتراض شده است که یکمده از انجمن نظارت استعفا کردند و یکمده استنکاف نمودند و راپورت شعبه ششم هم تصدیق میکند که عده مستنکف شده اند و حکومت عوض آنها را انتخاب کرده در صورتیکه فصول يك انجمن وقتیکه استعفا نکند و کناره بکند نمیشود بجای اوعضو دیگر را انتخاب کرد یا باید استعفا کند یا اینکه باید با کثرت قناعت کنند معلوم است از نقطه نظر قانون عضویت و نفر خارجی در انجمنی که عضویت ندارند لطمه بصحت جریان انتخابات وارد میشود در بعضی جاها شعبه اظهار کرده است که چون فلان اعتراض کننده مدرکی در دست نداشت قابل توجه نبود بنده میخواهم از شعبه سؤال کنم که مدرک يك معترضی از چه قبیل است آیا باید يك حکمی از حاکم شرع بیاورد؟ یا باید دستخطی از رئیس الوزراء بیاورد؟ یا يك فرمان دولتی بیاورد؟ آیا جز شهادت شهود و اظهارات افرادی که دخیل در جریان انتخابات بودند برای مدرک شکایات خود چه سندی باید ارائه دهد چنانچه آقایان در کتابچه اعتراضیه ملاحظه فرمایند میبینند که معترضین هر کدام برای اثبات هر فقره از شکایات خودشان يك سندی در دست دارند از اعضاء انجمن نظارت از مأمور حکومت و از سایرین معذالك هیچیک از آنها را شعبه محل اعتنا قرار نداد و هر چه تلاش داشته است کرده است که استخاره خوب بیاید مطابق اعتراضاتیکه شده خیلی خیلی خوب واضح است حتی هیچ شکایاتی نماند که ترتیب چه بوده در موقع دادن تعرفه مسلحینی وارد انجمن نظارت میشوند حتی شاهزاده حاکم هم آمده اند و خودشان دیده اند و با وعده ای که داده اند و ملاقاتیکه با آنها کرده اند معذالك هیچ اعتنائی نکرده و چشمشان را روی هم گذارده و بیرون میروند دلیل بر اینست طلب هم تعطیل انجمن نظارت بوده انجمن چند روز تعطیل میکند و وقتیکه میبیند اعتنا باو نمیکند بعضی استنکاف میکنند و باقی دیگر کار را خاتمه میدهند و وقتیکه در يك انجمن نظارتی جمعی مسلح وارد بشوند معلوم است در يك همچو جائی آزادی برای منتخبین چقدر است و تهدید تا چه درجه وجود داشته راجع بهريك از انجمن جزء بلوکات شکایاتی کرده اند و اسنادی که در مقابل هر يك اظهار

کرده اند معذالك شعبه بمسامحه گذرانیده و هیچ اعتنائی باظهارات آنها نکرده فقط گفته است انجمن نظارت آن را رد کرده ما هم رد میکنیم محرومیت عشایر کرمانشاه یکی از مهمترین مسائل عدم صحت انتخابات است زیرا کسانیکه از کرمانشاه اطلاع دارند میدانند عده عشایر کرمانشاه شاید متجاوز از نصف کرمانشاه باشد چطور ممکن است نصف ذوی الحقوق را ما از انتخاب محروم کنیم؟ و آن انتخاب را صحیح بدانیم؟ بلی يك رشته از عشایر شکایت نکرده اند بله در آنموقع و با آن حالت و آن روز شکایت برای آنها ممکن نبود یا بودن قوای خارجی در آنجا البته جرئت شکایت برای آنها نبود آنهم در نقاط دور افتاده اگر ایل سنجابی هم شکایت کرده است همه ماجرت و فدا کاریهای ایل سنجابی را میدانیم که از هیچ چیز نمی ترسند و فدا کاریهای بزرگ کرده اند و خودشان را برای مصالح این مملکت فنا کرده اند البته آنها فقط می توانند جرئت بکنند و داخل شکایت از انتخابات بشوند دیگران جرئت نکرده و عدم اظهار آنها دلیل بر عدم جرئتشان بوده حالا اعم از اینکه شکایت بکنند یا نکنند وقتی که ما دیدیم یکمده از انتخاب محروم مانده اند و از اوضاع آن حدود هم بخوبی اطلاع داریم فرقی نمیکند که شکایت بکنند یا نکنند شعبه که بنفرستان یکشعبه جزء انجمن نظارت يك دهی که در يك فرسخی مرکز حوزه انتخابات واقع است اینطور اهمیت میدهد و در شعبه اشاره بآن میکند چطور می تواند از محرومیت يك ایل بزرگی چشم ببوشد ایل سنجابی تقاضا کرده است که چند روزی بر مدت علاوه کنند که آنها بتوانند از گرمسیر مراجعت کنند و بآنها اجازه ندادند و موافقت نکرده اند و متوقع بودند که عشایر آنجا از بیست و سی فرسخی زندگی خود را رها کنند و بیایند بفلان ده و رأی بدهند و می گوئید چون نیامده اند حقشان اسقاط شده واقعات حوزه سنقر و کلیائی و اوراق استشهادیه که تمام کرده اند در دوسیه موجود است و وضعیات حوزه هر سین کاملاً اعمال نفوذ غیر مشروع و اجبار منتخبین را واضح و مبرهن می نماید و اگر واقعا آقایان نمایندگان بانظر قضاوت بدون توجه بمسائل خارجی رجوع بآن واقعات بکنند هیچ لازم نیست که دلیل دیگری برای فساد این انتخاب آمده و در مقابل یکی از اعتراضات معترضین می گوید این مسئله راجع باسترداد اموال غلام موسی بوده و خودش را غافل میکند که آیا مسئله غلام موسی و استرداد اموال او در وسط جریان انتخابات برای چه بوده؟ و برای چه اموال او رفته؟ عجیبتر از همه این است که در آخر راپورت می نویسد عده زیادی از طبقات اهالی اظهار رضایت کرده اند آیا يك قاضی میتواند بصرف اینکه جمعی اظهار رضایت کرده اند از يك امر قضائی غفلت کند؟ بنده عرض میکنم رضایت تمام دنیا شکایت يك نفر را که مبنی بر مستند و دلیل باشد رفع نمیکند فرض کنیم که يك اشخاصی هم اظهار رضایت کرده باشند رضایت مستند قضاوت

نمی شود رضایت منشاء اثر نمیشود زیرا ممکن است دسته از انتخاب يك اشخاص راضی باشند رضایت یکدسته حقوق اشخاص دیگر راضی نمیکند و بنده هم تصور نمیکنم در ضمن يك همچو مذاکرات و مباحثاتی که باید از روی اصول قانون باشد شعبه بتواند قناعت باین مسئله بکنند که از طرف احزاب و که که اظهار رضایت شده بله بنده اگر بخواهم خیلی مفصل داخل استدلال راپورت شعبه بشوم و هر ماده را يك طرح بکنم و از آقای مخبر جواب بخواهم و بعد جواب بدهم جلسه های طولانی لازم خواهد داشت چون میدانیم که آنقدرها توجه بر راپورت شعبه و مسائل راجعه بانتخابات نخواهد شد و طرفین تصمیم قطعی دارند باین جهت بیشتر از این در این موضوع گفتگو نمیکنم همینقدر خدمت آقایان عرض میکنم که واقعا اگر یکساعتی رجوع بکنید بر راپورت شعبه و اسناد اعتراضات معترضین آنوقت محتاج بيك کشمکش و بحث طولانی نخواهد شد پس از اظهارات خودم راجع بجریان انتخابات از آقایان اجازه می خواهم که قدری هم نسبت بصلاحت شخصی منتخب داخل مذاکره بشوم و برای مطالعه و حل این مسئله مهم لازم است بتاريخ ربيع الاول ۱۳۲۷ رجوع کنیم یعنی بتاريخ آن انتخابات اگر فراموش نکرده باشیم و اوضاع ما را بفراموشی باز نداشته باشد و احساسات خودمان را گم نکرده باشیم و هر چه آرزو کرده ایم امروز تقیبت بکنیم آنوقت خود در نظر ما مجسم می شود که آرزو يك کابینه وجود داشت که حقیقه و واقعا آن کابینه از سه عضو مهم و سه عنصر فعال تشکیل شده بود اوضاع تاریخ دوره آن کابینه قدری مهم و عظیم است که بقوه نطق نمایم و تصور میکنم از عهدی هیچ ناطق بر نیاید لیکن چون آقایان همه آنچه من دیده ام دیده اند آنچه من میدانم میدانند لازم میدانم بخورم زحمت بدهم و بایک کلمات و الفاظی که احساسات آقایان را تحریک بکنم و اوضاع آرزو را بتوانم مجسم نماید عرض کنم فقط بطور خیلی مختصر یادآوری میکنم این کابینه راهمه میدانستیم (حالا دیگر میدانم بدانیم یا نه) کابینه قدرتی با کابینه دیکتاتوری و بالاخره کابینه قرارداد بود این کابینه بواسطه عملیات فوق العاده اش بطوری در تمام دنیا مشهور است که احتیاج ندارد بنده در روی منبر نطق این کابینه را معرفی کنم همه میدانند که این کابینه عملیات خود را که منظور ملت بود بایک برجستگی و با يك شدت وحدتی انجام داد که در تاریخ مشروطیت ایران هیچ نظیر نداشته در زمان این کابینه هم میدانم که در اغلب جاها یعنی در هر جا که انتخاب معلی نبود و با يك خصوصیتی در کار انتخاب نبود مبنی بر آزادی رای و آراء ملی نبود این کابینه آزادی منتخبین را سلب کرد اسناد و اوراق اینکار را همه آقایان دیده اند یا شنیده اند بنده برای حفظ مقام مجلس لازم میدانم عرض کنم در دوره آن کابینه انتخابات در رویف یکی از امور

دولتی و مثل یکی از جریانهای اداری دولت جاری بوده در زمان این کابینه يك هیئت اعزامیه با يك خیالاتیکه من نمی دانم و البته شما میدانید در تحت ریاست آقای مشاور الممالک برای مذاقعه حقوق ایران در انجمن صلح با اروپا اعزام شد دیدیم بعضی اینکه وارد اروپا شد و بانجام وظایف خود اقدام کرد فوراً ملعون و مردود کابینه شد یعنی معزول شد این قضیه را آقایان اگر فراموش کرده اند صفحات روزنامه ایران ثبت کرده ممکن است رجوع شود در نتیجه اینکار وقتی صورت گرفت که دنیا انتظار داشت دولت و ملت ایران بایک رشادت و شجاعت فوق العاده حقوق خود را حفظ کند و از تنگنای بدبختیهای گذشته خود را خلاص نماید قرارداد مشهور دفترا ایران و همه دنیا را مهوت و مصبانی کرد حکومت وقت با امضای خود تصدیق کرد در زمانیکه راه سعادت بر تمام ملل ضمیمه باز است ایران باید از تمام خوشبختیها محروم باشد و این کابینه را از دست داد و همه را صرف کشمکشهای خصوصی خود کرد همه ملت میدانند در نتیجه این اقدام حکومت و توفیق الدوله که نتیجه و حاصل فکر سه نفر اعضاء آن کابینه بود (و در حقیقت سایر اعضاء کابینه نه در خود کابینه نه در خارج کابینه طرف اعتناء نبودند و فقط بوزارت دلخوش بودند) تمام ایرانیها با یک نوع عصبیتی که معمول آنها است بر ضد آن کابینه صدا بلند کردند حکومت وقت برای خاموش کردن صداهای ملی از هیچگونه عملیات قهر و جبر کوتاهی نکرد و چون جمعی از معارف این اقدامات را قبول نکردند حکومت وقت با ضربتهای شدید آنها و جماعت دیگر از کارکنان را دستگیر و تبعید و نفی نمودند و آقای محتشم السلطنه وزیر خارجه کنونی که امروز همه آقایان میدانند محترم ترین اعضاء رئیس خودشان یعنی چشمشان را در این راه گذاشتند تصور نفرمائید اگر بنده عرض کردم سه نفر از آن کابینه عضو فعال و عضو ماباشد بوده اند دفاع از سایرین کرده ام همه آقایان میدانند قطع و فصل و رفت آمد حکم و الضامه با این سه نفر بوده و البته سایرین هم نمیتوانند بگویند ما مسؤلیت نداریم برای اینکه عضو کابینه بودند و مسؤلیت را قبول کرده اند و یک نفر که مسؤلیت را قبول کرد نمیتواند بگوید بمن مربوط نیست و بگوید من مسؤل نیستم البته در مقابل قانون مسؤل است و محافظت قانون با اوست بهر حال حکومت قرار داد رسماً بتمام مردم وعده داد که قرارداد عملاً بموقع اجرا گذارده نخواهد شد ولی رسماً شروع اجرای آن قرارداد نموده دیدیم رسماً مواد قرارداد اجرا میشود آقایان که بعضی از آنها هم عضو مجلس هستند راضی شدند باینکه حکومت امضاء قرارداد را معوق بگذارد و تسویه هم نکند تا مجلس باز شود و تکلیف قرارداد معلوم شود حتی دولت طرف

مقابل هم با فشار های اروپا با مخالفت مطبوعات اروپا با هیجانهای مردم که برای دفاع بقاء استقلال ایران میشد مجبور شد که این رویه را قبول کند و اجرای مواد قرارداد را بگذارد تا موقهیکه مجلس باز شود معذالك حکومت زیر بار نرفت و شروع کرد با اجرای مواد قرارداد یکی بعد از دیگری این حکومت حکومتی بود که همه ماها میدانیم که اصلا باراده دیگران و با تسبیح و وسائلی که دیگران اتخاذ کرده بودند مشغول کار شده بود و دیدیم که از هیچگونه اقدامات بر ضد قانون اساسی و بر ضد مشروطیت فروگذار نکرد همه میدانیم این حکومت از هیچگونه اقدامات بر ضد حکومت ملی مملکت ایران فرو گذار نکرد حتی برای پیشرفت مقاصد خود و انجام نقشه که بر ضد منافع ایران در نظر داشت از کشتن اشخاص هم بدون مجازات کوتاهی نکرد اشخاصی را گرفتند کشتند بدزدند تبعید کردند نفی کردند و هیچ محکمه برای مجازات آنها تشکیل نشد تمام مطبوعات در دوره آن کابینه بسته شد اگر آن روز آن کابینه مطبوعات را بمیل وارد خودش یکدفعه معدوم نمیکرد اگر احزاب را یکمرتبه از میان بر نمیداشت امروز در موقع افتتاح مجلس شورای ملی برای تشریفات مجلس دفعه چهار روزنامه بر خلاف آزادی بدون مجازات بسته نمیشد نمیخواهم عرض کنم که اگر يك روزنامه بر خلاف آزادی رفتار میکرد معترضان نشوند و بگذارند هر چه میخواهد بکنند ولی قانون اساسی آزادی مطبوعات را واجب نموده و از طرف دیگر قانونی برای محدود بودن مطبوعات قرار نگذاشته البته هیچ حکومتی نباید باراده خودش در ظرف چند دقیقه حکم بستن مطبوعات را امضاء کند اساس مشروطیت اساس حکومت ملی آزادی رای و آزادی مطبوعات است از دوره آن کابینه نه آزادی رای نه آزادی مطبوعات در این مملکت بوده و نه آزادی هیچگونه

رئیس - آقا شما دازید از موضوع خارج میشوید.

طباطبائی - بنده خارج از موضوع نمیشوم بنده میخواهم ثابت کنم که آن کابیه برخلاف قانون اساسی و حکومت ملی رفتار کرده و حضرت والا هم برخلاف حکومت ملی رفتار کرده اند و باهمان دلیل که سلطان محمدخان در این مجلس رد میشود شاهزاده نصرت الدوله هم نمیتواند قبول شود.

رئیس - ولی جناب عالی حالا در این موضوع مذاکره نمیکند از روزنامهجات دارید مذاکره میکنید

طباطبائی - بله میخواستم اقدامات آن کابینه را عرض کنم و حق داشتم چهار کلمه هم از توقیف مطبوعات عرض کنم بهر حال حالا که آقای رئیس میل ندارند این صحبت را میگذاریم و میرویم سراقی دیگر این کابینه برخلاف اصل ۲۳ قانون اساسی بشرکتها امتیاز داد و با جرایش هم شروع کرد برخلاف اصل ۲۵ استقراض نمود برخلاف اصل ۲۷ قانون اساسی قوانین مشروطیت را نقض نموده برخلاف اصل ۹ متمم قانون اساسی مصونیت اخیر

را مختل کرد بر خلاف اصل ۱۰ اشخاص را بدون تقصیر دستگیر و حبس کرد برخلاف اصل ۱۳ امنیت را یعنی امنیت عموم ملت را از میان برد برخلاف اصل ۱۴ نفی و تبعید کرد بر خلاف اصل ۲۰ آزادی مطبوعات را سبب کرد برخلاف اصل ۲۱ اجتماعات را منع کرد برخلاف اصل ۲۳ در مخابرات تلگرافی دخالت کرد و تلگرافات را سانسور کرد و هر تلگرافی را میخواستند مخابرات کنند تقطیع می کردند و هر کدام را که نمی خواستند مخابرات کنند رد میکردند بالاخره در موقهیکه اعتبار نامه سلطان محمد خان را که تقصیر او فقط موافقت با حکومت سیدضیاء یعنی يك حکومت غاصب يك حکومت منقور بود مجلس بمنوان قیام بر ضد حکومت ملی یعنی شرکت با کسیکه قیام بر ضد حکومت ملی کرده زد میبکند و همانطور که در مجلس اظهار شد که حکومت ملی عبارت از کابینه سپهدار نبوده بنده هم تصدیق می کنم که حکومت ملی عبارت از اساس مشروطیت است یعنی قانون اساسی عرض میکنم آن کابینه مواد زیادی از قانون اساسی را لغو کرد بنا بر این شاهزاده نصرت الدوله که یکی از اعضاء آن کابینه و شریک و مسؤل این اعمال بودند و بر ضد حکومت ملی قیام کرده اند علیهذا نمیتوانند وکیل شوند امضاء قرار داد که همه چیز ما را بپا میدهند و هنوز هم بعضی ترتیباتش باقی است برای اینکه معلوم شود ایشان حق دارند نمایندة این ملت شوند یا نه کابینه آقایان خوب آن قرارداد را خوانده اند و همان هیجانها را که متوجه آن قرار داد شده است دیده اند و حتی يك اشخاصیکه علمداران هیجانها بودند در مجلس هستند بنده هیچ لازم نیست او را عرض کنم زیرا چیزی مغفی نیست بخواه شاهزاده در اروپا يك اصرار و اهتمام داشته باشند در اجرای آن قرارداد و قبل از اجراء نطقهائیکه شاهزاده در اروپا کرده اند و انعکاساتی که در مطبوعات کرده است همه یا عمده از آقایان دیده و ملاحظه کرده اند در این موقع مطبوعات تمام دنیا بر علیه قرار داد حرف میزدند حتی يك قسمتی از مطبوعات دولت طرف اینقرار داد را تنقید میکردند معذالك وزیر امور خارجه تا آنجا اثبات و اصرار میکردند که اینقرار داد حیات بخشی است مؤسس حکومت سیاه و مسبب آن همان کابینه بوده همه قدر و منزلت او را میدانید چه بوده و چه مقامی داشت و چه طور زندگانی میکرد توضیح ترین زندگانیها فضایح تر اینکه آن کابینه او را داخل سیاست کرد آنکابینه او را داخل در حلقه دیپلماسی کرد و بقفاقر فرستاد پس از آن او توانست که این موفقیت را حاصل بکند و این صدمات را باین مملکت بزند پس میتوان گفت که تاسیس کابینه سیاه از نتایج سوءعلمان کابینه است بنده فقط وظیفه ام این بود که هر چه میدانم در مقابل افکار عمومی و در مقابل تاریخی که برای بعد می ماند

افکار و آراء خود را عرض کنم حالا البته تمام آقایان و صکلا خدا شناس هستند و وجدان دارند اگر تمام هریض من صحیح است توجه باو کنند و اگر صحیح ندانستند خودشان میدانند با مسؤلیتی که پیش خدا دارند برای بنده تصویب این اعتبار نامه ورزش از نقطه نظر شخصی اهمیتی ندارد ولیکن برای قسمهائیکه سابق خورده بودم و قسمتی که بعد باید بخورم مجبور بودم و چاره نداشتم و حتی برای حفظ مقام نزاکت و حفظ نظامات مجلس از چیزهائیکه باید گفت صرف نظر کردم.

نصرت الدوله - صرف نظر نکنید
طباطبائی - بله اگر يك ملاحظاتی نبود همانطور که گفتند صرف نظر نمی کردم ولی آنرا میگذارم برای دفعه دیگر تا ببینم در جواب این هریض بنده چه گفته خواهد شد آنوقت یکطوری تکلیف معلوم خواهد شد یک شرح دیگری هم اینجا یادداشت کرده بودم ولی چون میدانم بی فایده است و آقایان و کلاه از طرفین يك تصمیمات قطعی دارند و شاید طول کلام موجب تضییع وقت مجلس شورای ملی است قسمت دیگر را می گذارم برای وقت دیگر

حاج شیخ اسدالله - بنده داخل در صلاحیت و سیاست نمیشوم ولی چون بدبختانه یا خوشبختانه مغیر شعبه هستم مجبورم نظریات شعبه را بر عرض مجلس شورای ملی برسانم و دفاع از عقیده شعبه بکنم فعلا در همین مرحله وارد میشوم و راجع بفرمایشات اخیر آقای طباطبائی که شاید در موقع خود بنده هم يك عریض بکنم خیلی ممنون میشدم آقای طباطبائی هر گاه داخل میشدند در تمام مواد راپورت و آنچه بنظر شان میرسید می فرمودند تا بنده نظریات شعبه را عرض می کردم و آنوقت شاید تصدیق میفرمودند که شعبه در کمال دقت و بیطرفی از روی صحت رسیدگی باین اعتبار نامه و دوسیه کرده و نظریاتش را بر عرض مجلس رسانیده اگر مراجعه بفرمائید بر راپورتهائیکه در اینصورت از طرف تمام شعبات بمجلس داده شد در این دوره و دوره های قبل میبینند يك راپورت باین جامعی که تمام مواد شکایات با تمام اسنادی که بشعبه داده اند متعرض شده باشد نیست چرا شعبه اینکار را کرد برای اینکه بمجلس نمایندگان ملت مدلل دارد که نظریات شعبه کاملاً از روی صحت و دقت بوده این بود که آنورقه اعتراضیه را که یکی از آقایان کرمانشاه بشعبه داد تمام موادش را خواندیم اسنادیکه در مقابل ارائه داده بود در تحت نظر آوردیم پس از آن مطابق آن نظریات راپورت بمجلس تقدیم کردم بعضی از قسمتهائیکه آقای طباطبائی فرمودند مستحسنات بود که آیا ممکن است یک نفر در يك موقعی کاندید شود و برادرش که حاکم بوده با او مساعدت نماید و با او همراهی نکند و او و این مطلب را شعبه نمیتواند بمجرد استحصان دلیل بطلان انتخابات قرار بدهد آیا به بنیسم حکومت کرمانشاهان عملیاتی هم کرده است یا نکرده اگر عملیاتی کرده باید از کجا بفهمیم بغیر از آنکه متشکبان شکایات

میکنند و اسناد بشعبه میدهند و بز انجمن نظار در صورت جلساتش نوشته بمجلس داده غیر از اینها ما میتوانیم علم غیبی تحصیل کنیم که از روی آن معلومات باطنی اظهار عقیده کنیم همچو کار بر این میتوانیم بکنیم شعبه باید مراجعه بدوسیه بکنند شعبه باید مراجعه با اسناد بکنند و به بیند اسنادی را که داده اند چه اسنادی است اسنادیکه داده اند ملاحظه بفرمائید یکی راجع بوضع انتخابات سنقر است که از روی تهدید بوده دلیل آنکه انتخابات آنجا از روی تهدید شده چه بوده صورت عرضی است که يك غلام موسی نامی داده است که مال مراد سنقر یا در حوالی غارت کرده اند و صلحیه یا معکمه بدایت تعقیب کرده است ابتدا نه گفتگویی از سوء جریان انتخابات و تجاوزات مسؤورین دولتی است و نه اسمی از انتخابات است مراجعه اگر بدوسیه بفرمائید تصدیق خواهد فرمود که شعبه نمی تواند همچو سنندیرا که ارائه میدهد که شخصی تظلم کرده است مال مرا برده اند دلیل بطلان انتخابات قرار دهند تمام راپورت را اگر بطور دقت ملاحظه فرمائید تصدیق می نمائید که شعبه هیچ چیز را از نظر دور نکرده مثلاً یکی از مطالبی که دلیل بر بطلان انتخابات قرار داده اند این است که رئیس انجمن کنگاور شیخ عبدالصمد نام که صورت مجلس انتخابات را نوشته و مفصل و مشروح تصدیق صحت انتخابات آنجا را کرده و انجمن مرکزی مطابق آن صورت مجلس که بهر امضاء تمام انجمن کنگاور است صحت انتخابات آنجا را تصدیق کرده اخیراً يك نوشته آورده بشعبه ارائه داده اند که این مال آقای شیخ عبدالصمد است آنجا شیخ عبدالصمد دوقفره می نویسد یکی آنکه منتخبین را اهالی نمی شناسند و دیگر از سوء جریان انتخابات مکرر در موقع انتخابات شکایت و فریاد کرده ام کسی گوش بعرف من نداده و مهر این نوشته با مهر آنکه در صورت مجلس است متفاوت است می گویند این نوشته مال شیخ عبدالصمد است اگر این نوشته مال او باشد و صحیح باشد جناب آقا در موقع انتخابات که فرموده اند انتخابات غلط است پس چرا تصدیق کردی که انتخابات اینجا کاملاً مطابق قانون جریان یافته و انتخابات اینجا صحیح است شما می توانید بيك همچو مهریکه منتسب باو است و ابداً شایهت با مهری کدر صورت مجلس است ندارد و با این اختلافی که نوشته دارد ترتیب اثری بدهید وظیفه شعبه این بود که رسیدگی خودش را بکنند کرد و رای خود را داد يك قسمت فرمایشات آقا راجع بشایر آنجا است مخصوصاً ایل جلیل سنجایی قانون انتخابات برای عشایر دو قسم انتخابات قرارداده بعضی هارا يك نماینده مستقل برای آنها قرارداده مثل ایل جلیل بختیاری و قشقایی بعضی از عشایر را جزء حوزه انتخابیه قرار داده ترتیب این انتخابات چه چیز است آیا مثل انتخابی است که وکیل و نماینده مخصوص دارد نه آن ایل باید آرایش با آراء شهر و انجمن های جزء ضمیمه شود تا يك نماینده معین کند حالا می فرمائید انجمن معلوم کرده است عشایر آنجا را از انتخابات از مراجعه

بدوسیه معلوم میشود که هیچ همچو چیزی نیست زیرا که انجمنی قرار داده اند در کردن عشاری که مرکزشان کردند است از جمله کلهر و سنجابی و گوران اینها را مرکز انجمن جوعشانرا در کردند قراردادها و اعلان انتخابات تمام آنها داده شده است مدت دادن تفره و اخذ آراء معین شده در آنجا فقط از طرف ایل سنجابی نوشته شده است که بواسطه اینکه ما فعلا در گرمسیر هستیم نمی توانیم برای رأی دادن حاضر باشیم و عذر خودشانرا خواسته اند و تقاضای تجدید مدت دادن تفره را نکرده اند مراجعه بفرمائید سایر عشار این اظهار رضایت کرده اند که انتخابات صحیح است شکایت هم نداریم ایل کلهر هم اظهار رضایت کرده اند این فراز آخر را که فرمودند چگونه شعبه اظهار رضایت را نوشته جهت این است که جمعی شکایت می کنند که انتخابات آنجا از روی تهدید بوده است شعبه مجبور است وقتیکه این اعتراضات را نوشت به آن تلگرافات رضایت هم اشاره بکند که مطابق تلگرافات ایل کلهر میگوید انتخابات صحیح است و ما کمال رضایت را از انتخابات آنجا داریم پس سوء جریانی در انتخابات آنجا نشده اینک میفرمائید بعضی انجمنهای جزء تشکیل نشده و شعبه آنرا محل توجه قرار نداده مراجعه بقانون انتخابات این مطلب را جواب میدهند که قانون انتخابات حق بانجمن نظر داده که در نقاطیکه صلاح میدانند انجمن نظارت جزء تشکیل بدهد با مراعات حوزهها و تناسب جمعیتها که بتوانند برای دادن تفره حاضر شوند و سابقه این مطلب هم در غالب دوسیه انتخابات در این دوره و دوره های پیش هست مخصوصاً در دوره سابق انتخابات کرمانشاهان نظرم هست که انجمن نظارت مرکزی زیاد از سه انجمن جزء تشکیل نداده و در این دوره انجمن مرکزی غیر از شهر چهار انجمن نظارت جزء تشکیل داده و عملیات انجمنها را در اینخصوص مجلس تصویب کرده و رأی بنمایندگی منتخبین داده مقصود این است که انتخابات مطابق شرح دوسیه هیچ اشکالی ندارد و اینکه میفرمائید شعبه سمت قضاوت و حاکمیت دارد و خودش با اسناد و نوشتجات باید رسیدگی نموده و قضاوت بکند و اظهارات انجمن را کاملاً ترتیب اثر ندهد بله شعبه حاکمیت دارد باید شعبه قضاوت بکند آیا از روی چه قضاوت بکند غیر اسناد است غیر از روی مواد شکایات است بالاخره اگر بنا شود شعبه اظهارات انجمن را بکلی بی اثر بدارند آنوقت شاید هیچ انتخاباتی را صحیح ندانند پس انجمن نظارت تا خیانتش مجرزش نشده رسمیت دارد و باید شعبه ترتیب اثر به اظهارات آن انجمن بدهد اگر شکایت بشود از انجمن نظارت آنوقت شعبه باید شکایاتیکه از انجمن نظارت رسیده ملاحظه کرده اگر معلوم شد که انجمن نظارت خلاف کرده آنوقت اثرات او را بکلی انودانسته و از عملیات انجمن قطع نظر نموده ترتیب اثر ندهد این فراز را که فرمودند در راپورت نوشته که شکایات محل توجه نشد خیلی بی مرحمتی فرمودند

آقای طباطبائی اگر ملاحظه برابورت بکنند و نوشته شده است که شکایات و اسناد محل توجه نشد بلکه تمام جزئیات را شعبه محل توجه و مطمح نظر قرار داده تمام نکات را متعرض شده برای خاطر اینکه مخبر شعبه پیش بینی میکرد که شاید در مجلس شورای ملی يك همچو اعتراضی بشود آنوقت این راپورت را مخبر شعبه در دست بگیرد و بگوید این راپورت شعبه است ببینید تمام اسناد دولتی را که بشعبه داده اند ما محل توجه قرار دادیم و از روی دلیل رد کردیم زیاد از این داخل در مذاکره نمیشوم و زیاد بر این عرض نمیکنم آقایان مراجعه برابورت شعبه کاملاً بفرمائید و اگر هر آینه خود را محتاج بمراجعه اسناد دانسته میفرمائید بنده اسنادی را که در شعبه هست میآورم و ارائه میدهم مثلاً یکی از قسمتهائی که در دوسیه هست و از دلائلی که معترضین از برای بطلان انتخابات اظهار میکنند همین است دو ورقه کاغذ بدون امضاء و بدون مهر که میگویند شب نامه است بدیوار چسبانیده اند و یکی را هم برای حاج آخوند نامی از علمای کرمانشاه فرستاده و باو نوشته اند و در آنجا باقا زاده ایشان بعضی نسبتهای اخلاقی داده اند که آقا زاده شما اعلان است خوب است نصیحتش کنید و و و معلوم نیست آنها در چه تاریخی نوشته شده و کی نوشته برای چه نوشته آنرا جزء دوسیه و جزء شکایت خود قرار داده اند که این نوشته دلیل بر تهدید است پس انتخاب کرمانشاه باطل است چرا؟ برای اینکه يك چنین شب نامه بدیوار چسبانده اند آیا آنها را شعبه میتواند دلیل بر عدم صحت انتخابات قرار بدهد؟ بنده زیاد بر این عرض نمیکنم و بنظریات آقایان واگذار میکنم و همینقدر از شعبه دفاع میکنم که شعبه خیلی دقت کرده و رسیدگی نموده و آن اسناد را هم که در شعبه دیده شده نتوانست ترتیب اثر بدهد و دلیل بر بطلان انتخابات قرار بدهد مطالب دیگر هم که فرمودید از نقطه نظر صلاحیت و سیاست بنده فعلاً داخل در آن نظریات نمیشوم اگر آقایان داخل این مذاکره شدند بنده هم عراض و نظریات خود را بر عرض مجلس شورای ملی میرسانم.

رئیس - آقایان مدرس و ملک الشعراء و سهام السلطان موافق هستند. اینطور نیست؟

مدرس - بارابورت بلی.

رئیس - آقای سردار معظم شما مخالفید؟

سردار معظم - بنده راجع بشعبه بعضی اظهارات داشتم.

رئیس - مخالفی نسبت برابورت نیست؟

مدرس - نسبت بصلاحت بنده مخالفم.

رئیس - يك مخالف حرف بزند آنوقت جناب عالی بفرمائید. پس مسئله را تفکیک میکنم يك قسمت راجع بجریان انتخابات است و قسمت دیگر راجع بصلاحت. راجع بانخابات و جریان آن مخالفی هست؟ (اظهاری نشد) اگر مخالفی نیست مذاکرات ختم خواهد شد (باز مخالفی نبود) معلوم میشود مخالفی نیست. راجع بصلاحت آقایان مدرس و ملک الشعراء

مضر می دانستم تمایل از برای ما مضر است بنده بر ضد او هستم در این عرض نه اختصاص با آقایان و کلا دارد بلکه عرض من متوجه بشرق و غرب و شمال و جنوب ایرانست (گفتند صحیح است) آقایانیکه اینجاستند ملتفت هستند بعضی انتخابات بد است ملتفت هستند بعضی اشخاص بد میباشند ولیکن باید حکومت بحق کرد نصرت الدوله پسر فرمانفرما مطرح مذاکره است نه مسئله انتخابات والا انتخابات پنجساله با سیاست های مختلفه و دولتهای مختلفه بد است من می بینم وحس میکنم که آقای نصرت الدوله را بعضی قابل مجلس شورایی نمی دانند خیلی تقدیس میکنم برای اینکه آقایان بعد از دو سال حالا رفیق بنده شده اند چون صدماتی کشیدم تعرض شخصی بخارجی کرده ام يك كدك لایحه با من نکرده اند و امروز آمده اند رفیق من شده اند خدا توفیق بابشان بدهد و احساسات را در ملت ایران زیاد کند که امثال آقای ونوق الدوله و نصرت الدوله را ملت ایران بد بداند ولیکن يك مسئله می خواهم در این مجلس عرض کنم و باصاف و عدل و دیانت آقایان محول میکنم يك اشخاصی رنگ پیدا کردند آمدند و گفتند عقیده ما تمایل بصیاست انگلیس است شاید یکی پیدا شود و بگوید عقیده سیاسی من روس است ما بر ضد همه هستیم ایرانی مسلمان باید مسلمان و ایرانی باشد (گفتند صحیح است) هر رنگی غیر از این داشته باشد دشمن دین است ما دشمن استقلال ما است ولیکن نصرت الدوله آن روزی قابل مجلس نبود؟ یا نصرت الدوله امروزی؟ که فرضاً دروغی میگوید من تمایل بانگلیس را رها کردم من ایرانی ام امروز محکمه عدل ایران این محکمه است اغلب شما ها می دانید که من بعمده الله تعالی با احدی غرض ندارم و با احدی از افراد ناس محتاج نیستم حتی در رأی دادن بو کالتم و من از آقای رئیس تقاضا می کنم رأی مرا بیندازند بعد از رأی دادن تمام و کلاه که آقایان از هر جهت آزاد باشند من زیاد تر از شما این عقیده را دارم که نصرت الدوله سابق رنگ دارد است نه نصرت الدوله امروزی دیانت و مملکت خواهی بمن حکم میکنند که ولو این اظهار غیر واقع باشد من او را قبول کنم حالا که این حرف را میزنند بگوئیم ما تو را قبول نمیکنیم ملت تو را قبول نخواهد نمود اگر مملکت خواهی شما اقتضا دارد که کسیکه رنگش را رها کرد بعد برود رنگ پیدا کند حرفی نیست اگر این برای مملکت صلاح است بگوئید احسن است اگر محکمه عدالتی در ایران ممکن است تشکیل بشود پارلمان است بنده عرض میکنم موافقین قرارداد که هیچجه نفر از آنها اعضاء این مجلس هستند این محکمه باید رسیدگی کند هر کدام تقصیر کرده اند مجازات کند و اگر بول گرفته اند از ایشان استرداد نماید تا عبرت دیگران شود تا کسی دیگر رنگ بخودش نگیرد اما امروز مذهب با وطن خواهی ما اجازه میدهد که کسیکه میگوید من خطا کرده ام او را بدون جهت و قانونی از مجلس رد نمائیم اگر

نصرت الدوله و امتالش عود کردند و رنگ بخود دادند ما هم که يك ملت ضعیفیم عود میکنیم بنده تقدیس میکنم آنها را که نظرشان بر این است که نصرت الدوله صالح برای این مجلس نیست اما باید نصرت الدوله موافق قرارداد را بانصرت الدوله امروزه فرق گذارد من عقیده خودم را اظهار میکنم این مجلس هم مجلس عدل است این اشخاص کدر آن سیاست شراکت کردند و حالا اعتراف بخیط خود کرده میگویند ما خطا کرده ایم و این رنگ بصیاست را رها کرده فیل را رها کرده و شتر را هم رها کردیم ایرانی هستیم و تابع سیاست بیطرفی ایران هستیم من که یک نفر صدای خودم بشرق و غرب ایران و بجنوب و شمال ایران و بخارجه های همسایه و غیر همسایه میرسانم و میگویم مدتها نصرت الدوله تمایل اختیار کرد حالیکه بیطرفی اختیار نمود من او را قبول میکنم و یقین دارم ملت ایران با من هم عقیده خواهند بود میگویم نصرت الدوله سالها قبل بخودش چسبانید الان میگوید من خطا کرده ام یا راست میگوید یا دروغ من میباید بگویم تورا ست میگوئی و تو که الآن تمایل کردی و خودت را می - خواهی ایرانی و ایران خواه معرفی کنی ما قبول می کنیم اگر خدای نخواسته باز رنگ پیدا کرده ما همانیم که بودیم مخالفت با کابینه ونوق الدوله کردیم ملت فقیر بیچاره ام با کمال ضعف و قوی و بی چیزی و نفاقت بالاخره او را در بر کرد می خواهم با آقای طباطبائی يك عرضی بکنم و تصدیق کنم فرمایشاتشانرا که گفتند اساسی قرار داد بوده سید ضیاء را آورد چنانچه از اول تا حال عرض می کنم باید مخالفت را دور انداخت و متفقاً کار کرد برداشت مجلس ما اتفاق بوده گفته شد (صحیح است) همان قرار داد و سیاست است که مجلس را منتهی می کند بدو دسته شاید يك دسته مستشار و پلیس جنوب شوند و یکدسته مخالف باید همچنین که این چند روزه بموافقت مشی کردیم امیدوارم که در این نامالیات باز هم بموافقت رفتار کنیم در حوادثی که اطراف مملکت را فرا گرفته بلا استثناء آتش است یکی را نمی گویم آتش و یکی را بخ همه آتش است ایرانی باید خودش ایرانی باشد سیاستش هم ایرانی باشد بدی شخص نصرت الدوله بر احدی حتی بر خودش هم مخفی نیست لیکن نصرت الدوله امروزه را با نصرت الدوله موافق قرارداد باید در نظر گرفت شما که حکومت می کنید آیا باید نصرت الدوله را رد کرد یا قبول؟ بنده عرض می کنم امروز باید او را قبول کرد اگر باز بخود رنگ گرفت ملت همان ملت است معلوم است کسی که سالها علف تلخی خورده باید سالها علف شیرین بخورد که گوشت و پوست و استخوانش فایده داشته باشد این عقیده سیاسی من است اگر باز آقایان فرمایشی دارند بفرمائید شاید باز توضیحاتی عرض کنم

شاهزاده سلیمان میرزا البته آقایان اجازه میدهند که بنده دو سطر قبلاً اظهار تشکر و خوشوقتی بکنم از اینکه سعادت منی که تصور نمی کردم مجدداً با آن موفق شوم یعنی باز در مجلس شورای ملی در خدمت عموم دوستان و رفقا و نمایندگان ملت حضور داشته باشیم و یا اینکه قدم بخاک وطن عزیز بگذارم زیرا همیشه از جمله چیز هائی که مکرر با ما گفته میشد این بود که شما ابتدا مرخص نخواهید شد بنا بر این واجب است که امروزه همیشه متشکر باشم از اینکه مجدداً در روی خاک وطن عزیز خود قدم گذارده ام و حق آنرا پیدا کردم که در مصالح این مملکت بقدر فکر خودم صحبت بکنم بعد از تشکرات خودم که خیلی مختصر است عرض می کنم که اینجا مطلبی که مذاکره شد یکی راجع بجریان انتخابات است که بنده در آن موضوع عرضی ندارم چون مسئله انتخابات معلوم است در اغلب جاها چه شکل جریان داشته اما راجع بعدم صلاحیت منتخب برای اثبات این مسئله کاغذ هائی داشتم و البته آقایان مسبق هستند که در عرض این سه سال در یکجائی بودم که هیچ کاغذ و روزنامه ننیدیدم الا بندرت ولی اخیراً از مندرجات مطبوعات بعضی خبر ها یادداشت کرده ام از حکومت کابینه ونوق الدوله که افضل التفضیل کابینه سیاه بوده و همین طور که آقای طباطبائی اظهار فرمودند تمام مخالف مواد قانون اساسی و حقوق ملی بود گمان نمیکنم در مجلس یاد تمام مملکت ایران بکنند کسی که ایران دوست باشد عقیده اش غیر از این باشد ولی فقط آقای مدرس يك عددی را که بنده درست حفظ نکردم فرمودند در کتابچه زردشان ثبت است و فرمودند ششصد و کتری در این مملکت موافق قرار داد بودند که آنقدر را ضبط نکردم و اشخاص را هم نمی شناسم بلی در صورتی که این مسئله محقق باشد دیگر گمان نمیکنم لازم بفرماندن او را بنده باشد بنده در این اوراق چیزهائی که می خواستم بر عرض آقایان برسانم برای این بود که ثابت بکنم این مسئله قرار داد در روزنامهجات در زمان این کابینه منحوس طبع شده و سه نفر که شخص سید ضیاء الدین عضو چهارم آن محل و مرکز فساد بوده و آن ۳ نفر در کابینه عضویت داشته و آن یک نفر عامل افکار آنها در خارج بوده و در جمعیت دست آورده بوده و خیالات آنها را منتشر می کرد و با عقیده آنها موافقت میکرد و عقاید آنها را تقویت می نمود و اگر در کابینه خودش هم اقدام کرد شعبه ایست از آن سرچشمه و فرعی است از آن اصل و آن اقدامات را در آن مکتب آموخته بنا بر این اسم این فرع را این مجلس استحقاقاً کابینه سیاه گذاشته آن اصل معلوم است هر چه افضل التفضیل برای او قرار دهند هست مرکز تمام سیاه این قرارداد را (رد کردن) در نطق خودش در سر میز ضیافت خودش با شاهزاده نصرت الدوله یا باصطلاح روزنامه های خارجه پرنس فیروز یگانه وزیر خارجه وطن خواه و نماینده مستحق ایران که بافتخار ایشان این ضیافت

داده شده بود و همه آقایان در روزنامه رهنمود خوانده اند که لرد کرزن میگوید (من با حضرت والا در این مسئله موافقت دارم و آنمطلب با عقاید و نظریه ملت ایران...) طوری مطلب را می پروراند (شاید بنده قوه تفرس خیلی کم شده باشد) ولی اگر هر آینه دست ما به دوسیه های خصوصی وزارت خارجه میرسد و اگر (یعنی اگر مثل خیلی چیزهای دیگر) اورا قشان از میان نرفته باشد و اگر همانطور که آقای مدرس فرمودند بغواهی ملتی باشیم که قضاوت ما بین خدمت و خلاف را همیشه در نظر داشته باشیم و معاکمه کنیم و بدون ملاحظه آن اسناد را در مقابل خود بگذاریم از هر کس هر چه صادر شده بدون استثناء در یک محکمه بیطرفی خوانده و معاکمه کنیم (اگر چه خیانت و خدمت در مملکت زود یا دیر کهنه نمیشود) و بالاخره اگر ما ها که معاصرین خدمات یا خیانات هستیم اورا معاکمه نکنیم آینه های ما اشخاصی که امروز در روی این زمین نیستند و بعد متولد میشوند معاکمه خواهند کرد بهر حال اگر آن دوسیه های وزارت خارجه در دست بود بطور حتم مدلل میباشند که این مطلب از طرف کابینه و هیئت دولت انگلستان پیشنهاد نشده و یک پیشنهادی از دولت منحوس سیاه خائن آن زمان شده که آنها بعد از اصلاحات پیشنهاد کرده و اجازه داده اند در روی آن زمینه آن کابینه این خدمت بزرگ تاریخی را انجام دهد نمایانم باید گفت خدمت یا فروختن این مملکت بدرام بخش بالاخره از انرا این کابینه و از وجود آقایان چهار نفر مؤسس واقعی اینکار که مسئول ظاهرش شاهزاده نصرت الدوله و وزیر خارجه و امینش از همه بیشتر بود صورت گرفت چون باید انصاف داد عرض میکنم که بالاخره تصور کنیم در آن دوره مملکت در یک مضیق و فشار هائی بود که مقتضیات آنوقت بهر کس که زمامدار امور بود اجازه میداد برای حفظ سیاست آنروز اینکار را بکند ولی بنده خدمتشان متذکر میشوم ایشان وقتی دیدند امر اینطور شده کنار جوی میگردند مثل اینکه بسایرین هم تکلیف کرده بودند مثلا امروز یک کسی بنده بگوید که برادر و پدرت را بکش تا وزیر خارجه بشوی باید بگویم چشم برای اینکه وزیر امور خارجه بشوم و بعد که از من بیرسند چرا کشتی بگویم همه را کشتیم که وزیر بشوم این حرف گمان میکنم مطابق هیچ منطقی نباشد و در هیچ محکمه تصدیق نکنند که یک شخص میخواهد با حضرت اشرف بگویند وزیر بشود و صاحب اختیار باشد آنقدر خلاف کاریها که در این کابینه شد مجری بسازد و مجبور شود که یک قرار داد مشومی به بند که بحمدالله امروز در یک توده خاکستر افتاده و رسماً لغو شده است اعلیحضرت معجب ما در موقع نطق افتتاحیه خودشان در این مجلس آنرا ملتی فرموده اند و امروز مجری نیست و اگر بعضی مواد آن مثل مستشار ها و غیره نزدیک بود بموقع اجرا گذاشته شود آنها بطرف و مرحمت خداوندی و کمک تمام و کلاه که بنده یقین دارم یک مخالف پیدا نمیشود

همینکه و کلاه اعتبارنامه هاشان تصویب شد و داخل در مطالب اساسی بشوند اولین اقدام اساسی تمام رفقای بنده و تمام آقایان و کلاه راجع بهمین مسئله خواهد بود اگر چه بنده مدتی است از خدمت آقایان دورم یک مدتی بواسطه کسالت و یک مدتی بواسطه مسافرت و یک علت هم این بود که نمیخواستم داخل در جریان انتخابات اشغالی بشوم و امروز چون صحبت بیک صحبت اساسی راجع بود حاضر شدم این راهم عرض کنم یک روز شخصی از قول قونول فرانسه در بمبئی بامن از قرار داد صحبت می کرد باو گفتم باوجود اینکه در حبس هستم تا آخرین ساعت بقدری که میتوانم برخلاف این قرار داد حرف خواهم زد و اقدام خواهم کرد شما تصور نکنید که در تحت فشار ظالمانه یک هیئت منحوسه سه چهار نفری که ایران را خراب کرده اند مردم ساکت باشند و آنها بتوانند جلوگیری از احساسات مردم بکنند و ایرانها حاضر هستند این قرارداد را با خون خودشان معوکند ایشان بمن فرمودند که در زوایای طهران ... چون آنوقت در روزنامه های اروپا اینطور انتشار پیدا کرده بود که ملت ایران چراغان هم کرده اند و یکی از روزنامه های ایرانهم تیریکاتی نوشته بود که درج کرده بودند و می گفتند ملت ایران مخالف نیست جز چند نفر معدودی که در زوایای طهران هستند که هیچوقت امنیت و آسایش را نمیخواهند اشخاصی که میباشند همیشه بر علیه حکومتها حاضر هستند آن چند نفر معدودیکه عادت باین قبیل چیزها کرده اند برخلاف قرارداد حرفهائی زده اند آنها را بحمدالله حکومت و وطنخواه و قوی قادر آنروز گرفت و تبعید کرد !! (بیار خوب) بنده باوجود این گفتم خیر این چند نفر نیستند خواهید دید که زیاد خواهد شد بحمدالله رسیده ام با آنروز که می بینم شاید یک نفر در این ساعتیکه صحبت میکنم نیست که بگوید یاد قلبش خیال کند که موافق است اهالی این مملکت هنوز ایرانیت خود را رها نموده اند ایرانها هنوز زنده اند و ایرانها حقوق ملی خودشان را تلفت میشوند و لودر تحت فشار قاهرانه و ظالمانه داخلی و خارجی باری بعد از اینمطلب مطابق آنچه که در روزنامه های رعد درج شده مثل این است که آن پیشنهاد از طرف دولت شده و از آن گذشته تلگرافی از طرف وزیر خارجه آمریکا بسفارت ایران مغایره شده که در همان روزنامه یومیه رعد باز طبع کرده اند و آن تلگراف را شاید تمام آقایان خوانده اند اگر لازم بشود بندهم مختصراً آن تلگراف را بعرض آقایان میرسانم که ملاحظه فرمایند کجمدیت و فعالیت شخصی بزرگوار وزیر خارجه تا چقدر بوده و ایشان نسبت بنطق (لرد کرزن) در اروپا چه نطقهای آتشین داده اند که ملت ایران طرفدار قرارداد است. اگر نصرت الدوله خودش را جزء افراد این مملکت می دانست یا وثوق الدوله که خودش را یک فرد ایرانی می دانست یا سید ضیاء و غیره و غیره بایستی مثل یک نفر

ایرانی شب و روز زندگانی را بر خودش حرام میکرد و یک چنین قراردادی را در تمام مقامات رسمی اروپا در تمام نقاط تکذیب میکرد برعکس هر صدائی که از اروپا و امریکا بر علیه این قرارداد اظهار میشد که این قرارداد شما برخلاف ماده ۱۱ قرار داد مجمع بین الملل است و هیچ دولتی نباید دستخوش مراد و نفوذ دولت دیگر بشود آنوقت ایشان جدی کنند که آنها را قانع کنند که خیر ابدأ قرارداد مزاحم دولت و ملت ایران نیست و ملت ایران حاضر است آقای لرد کرزن میگوید که شاهزاده در موضوع قرارداد موافقت حاصل نمود که مبنی بر مصالح ایران است ..

نصرت الدوله - دروغ است

سلیمان میرزا - آقای سیدضیاء رفیق خودتان نوشته است من که در این مدت اینجا نبودم (در این موقع بعضی از تماشاچها شروع بکف زدن نمودند)

نصرت الدوله - رفیق شما بود

رئیس - تماشاچها باید خارج شوند (بیشخدمت باشی بر حسب امر رئیس قسمتی از تماشاچها که مرتکب دست زدن شده بودند تکلیف خروج نموده و آنها خارج شدند)

سلیمان میرزا - بنده همانطور که عرض کردم در موقع قرار داد در این مملکت نبودم و فرقی هم نداشت زیرا اگر در مملکت بودم باز مثل دیگران یک حرفی میزدم کابینه قوی و فعال و قادر قدرت خودش را نشان می داد و بنده را بکاشان یا سوراخ دیگری می فرستاد ولو اینکه اینجا هم که نبودم همان سهم و طالع را داشتم منتهی در سوراخ دیگری هیچ اهمیتی ندارد نمیخواهم متصل تکرار کنم که در حبس بودم زحمت کشیده و صدمات دیده ام بلکه مکرر گفته ام آن زمان راحت تر بوده ام گدو شم چیزی نمی شنید و یادربهای کمتر میشد بلکه سایر رفقای من و سایر آقایان نمایندگان خیلی بیشتر از بنده در زحمت و فشار بوده اند زیرا که فشارهایی که خانمان بر انداز است بسیار سخت تر و هولناکتر از آنست که یک شخص بگوید در یک اطاق باش و بیرون میا انصاف می دهم نمیخواهم یک اهمیتی بدهم که حبس شده ام خیر آقایانیکه آزاد بوده اند بیشتر از من در زحمت بوده اند آقای نصرت الدوله فرمودند بنده دروغ می گویم از برای اینکه عرض کنم بنده دروغگو نیستم محتاج بتذکارم زیرا که سابقه را زندگانی بنده از اول مشروطیت دوره با حضرت والا اینکه اینجا نشسته اند معلوم است من والی کرمان نبوده ام که آدم بکشم من در زمان محمدعلیشاه اقدامات نکرده ام من همیشه طرفدار مظلوم بوده ام و همیشه از ظالمان که حضرت و الا یکی از آنها بوده اند تو سری خورده ام بنا بر این بنده دروغگو نیستم زیرا که همیشه فریاد میزدم و میزنم ایران و ایرانی باید همیشه در فکر ترقی خودش باشد اگر چه نباید خارج از موضوع شوم ولی مختصری عرض می کنم مملکتی که معارف نداشته باشد انتخاباتش درست نمیشود اشخاص دروغگو بار می آورد ولی بنده دروغگو نیستم عملیات بنده سابقه زندگانی بنده

همه معلوم است البته پسر عموی محترم (بقول ابوی بزرگوارشان) وقتی خودشان نظر فرمایند خوب میدانند ایشان قرار داد بسته اند برای پاره کردن قرارداد ملعون فریاد میزنم ایشان سابقه ها داشتند که آقای مدرس میفرمایند مسلمان شده اند توبه کرده اند ایمان آورده اند و بنده بحمدالله محتاج توبه نبوده و نیستم اگر اوراق تاریخی زندگانی هر دو مان را در یک ورقه بگذارند صدق از باطل شناخته شود بحمدالله شناخته شد و تمیز هم داده شده محتاج بتذکار نیست با یک فرمایش ایشان که بنده دروغگو نیستم و به علاوه آنچه را هم که بنده عرض کردم از قول خودم عرض نکردم عرض کردم کابینه و وثوق الدوله ۳ نفر عضو آمر و رسمی داشت که وزیر بودند یکی خود وثوق الدوله بوده یکی شاهزاده صارم الدوله یکی شاهزاده نصرت الدوله که این دو نفر از شاهزادگان این مملکت و از خانواده این بنده بودند که باید بیشتر از همه لا اقل برای اینکه تاج و تخت در خانواده آنها است برای استقلال این مملکت کوشش کنند و متاسفانه از همه کس بیشتر طرفدار این قرارداد مششوم ملعون بودند و این قرار داد خانمان بر انداز ایران خراب کن را تصدیق کردند و ناشر افکار ایشان یگانه حامی ایشان قلم مدافع ایشان قلم آقا سید ضیاء الدین بوده حالا آقای سیدضیاء الدین رفیق ایشان بوده یا رفیق عزیز و آن یار گرمی در موقع قدرت و اقتدار ایشان یعنی در موقعی که هنوز در سر ریاست وزرائی نزارشان نشده بود که حبسشان کنند بالاخره در موقعیکه بر له ایشان چیز مینوشت در روزنامه آنمطلب را راجع بنطق لرد کرزن نوشته اگر راست نوشته او نوشته و اگر دروغ نوشته او نوشته بنده چه مربوط است بنده نقل قول میکنم باید از این مسئله بگذریم مسئله این است بعد از آنکه باتفاق بدون هیچ تردیدی همه تصدیق می کنیم که این قرارداد برخلاف مصالح دین و بزرگترین ضربات کشته و مهلکی است که بر بیکر مملکت و وطن عزیز ما وارد آمده است آنوقت تازه در مقابل این بعضی حرفها می شنوم که تا امروز نشنیده ام و آن این است باوجودیکه این مسئله را اقرار داریم که بر خلاف قوانین مملکت ما بوده است و ضربه بر اساس حکومت ملی زده است و یکی از آن دستهای قوی که بر بیکر وطن شمشیر کشیده شاهزاده نصرت الدوله بوده است تازه امروز آقای مدرس بطور تردیدی گویند ما انکار نداریم ولی شاهزاده نصرت الدوله میگوید من از خطا های گذشته ام صرف نظر کرده ام امروز برخلاف گذشته اقدامات خواهم کرد در صورتی که این فلسفه را یک اصول منطقی نمی شود فرض کرد که آقای مدرس میفرمایند شاهزاده نصرت الدوله توبه کرده اند پس در دنیا هیچ مجازاتی لازم نیست آن وقت هر جانی و هر مقصری بیای معاکمه رسید فوراً اظهار می کند استغفرالله ربی و اتوب الیه پس قانون مجازات برای چیست؟ من یکی را کشتیم. اگر من یکی را کشتیم (در صورتیکه مملکت کشتن محققانهم

تر از شخص کشتن است) من اگر یکی را کشتیم خدای نکرده در وقتیکه مرا بیاورند بحکمعه عدلیه و آقای مدرس هم حاکم قضیه باشند و بگویم آقایان تصدیق کرده ام قول میدهم که من بعد آدم نکشتم آیا هیچ محکمه عدلی هیچ قاضی عدالتی می تواند ب مردم و ورثه مقتول بگوید که شما از آن صرف نظر کنید این شخص گفته است که دیگر از اینکار ها نمی کنم . راست یا دروغ توبه می کنم این فلسفه فریبی است و به علاوه در قانون انتخابات ذکر شده (اشخاصیکه بر خلاف حکومت ملی قیام و اقدام نموده اند) و خود آقای مدرس هم این مسئله را تصدیق میکند آتنا و صدقنا که آقای مدرس در مسائل ملی همیشه زحمت کشیده اند و صدمات ایشان محقق است و هیچ جای شبهه و تردید نیست اما این فلسفه را بنده نمی توانم بفهمم که بچه ترتیب یک کسیکه یک تصدیق قطعی و حتمی را مرتکب شد در موقع مجازات همین قدر که اظهار کرد نامم هستم مجازات از او سلب خواهد شد این را بنده نمی دانم شاید یک ترتیب شرعی برایش باشد اگر این مسئله منکریت دارد آیا بر تمام اشخاصی که بر خلاف حکومت ملی قیام و اقدام کرده شامل است یا آنها بشخص نصرت الدوله مربوط است؟ این ششصد و هشتاد کسری که فرمودند موافق قرارداد بوده اند بنده هم می گویم و آرزو می کردم و میکنم که یک روزی برسد کوطن عزیز ما انشاءالله مقتدر شود که این اشخاص را یکی یکی بیارود پای معاکمه و معاکمه نموده و مجازات بدهد . اگر باینکه بگویند خلاف کرده ایم و خیانت کرده ایم و توبه کردیم معاف می شوند از حالا همه میگویند ما شیمان شده ایم دیگر البته معاکمه نخواهند داشت و آن اشخاص از امروز خودشان را راحت می کنند که زحمت آنروز را نداشته باشند ولی بعقیده بنده این حرف جبران خلاف اولیه را نمی کند باز هم یادآوری میکنم هر چند در مجلس نبودم ولی از برای من راپورت ها را فرستاده اند در راپورت های بعضی شبهه ها نسبت بیعضی و کلاچین نوشته اند (که این شخص در موقعیکه انتخاب شده چنین کرده اگر قبل از انتخاب این اقدامات را کرده این عمل را کرده است معلوم نیست این ماده قانون شامل او می شود یا خیر ؟) بنده عرض می کنم بعد از انتخاب هم این عمل را کرده باشد ظاهراً اعتبارنامه اش باطل است چنانچه رأیی که در جلسه قبل مجلس نسبت بیک نفر داده اینمطلب را میشود از او استنباط کرد که بطور نیم رسمی مجلس شورای ملی اینماده را تفسیر کرده و یک سابقه پیدا شده خواه قبل از انتخابات خواه بعد از انتخابات یک شخص ایرانی که بر علیه حکومت ملی اقدام کرده از وکالت محروم میشود در صورتیکه ملاحظه میکنیم ایشان بر علیه حکومت اقدام کرده اند یعنی این قرارداد بر علیه حکومت ملی است و کابینه و وثوق الدوله کارهایش همانطور که آقای

طباطبائی فرمودند برخلاف اصول قانون اساسی بوده است حالا آن نقیضه که شمه ها خواسته اند و نوشته اند که اگر بعد از انتخاب باشد باید تعیین کرد که تکلیف چیست در مورد ایشان موضوع ندارد بجهت اینکه همان ساعتی که انتخاب شده اند فاقد جزء نهم ماده هفتم قانون هفتم قانون انتخابات بوده اند یعنی بر علیه حکومت ملی قیام و اقدام نموده در آن تاریخ هم ایشان هنوز نائب نبرده اند و اگر توبه کرده اند بعد از توفیق جبری یعنی بعد از حبس رفیق خودشان آقا سید ضیاء الدین بوده و در مجلس توبه کرده اند یعنی در موقعی که ایشان راهم در جزء اشخاص کوچک و بزرگ حبس نمودند حتی شنیدم دو نفر بچه های بی گناه چهارده ساله و پانزده ساله مدرسه را هم حبس کرده اند در ضمن حضرت والا را هم حبس کرده اند در دوره دوم میگفتند طهران جزء مطهر است اگر مجلس آقای سیدضیاء هم جزء مطهر است نمیدانم انشاءالله آنها جزء مطهرات است ما مخالف نیستیم ولی مقصود اینست که آن توبه را در آن مجلس کرده اند در آن ساعتیکه موکلین و رفته های تعرفه های خودشان را در کرمانشاهان بنام نامی شاهزاده نصرت الدوله در صندوق آراء میریختند آنوقت ایشان نائب نبوده اند و برخلاف حکومت ملی معاهده را امضاء کرده بودند و دارای شرط انتخاب شدن نبودند این مسئله مثل کسی است که در آن تاریخ سن باو اجازه نداده باشد باو تعرفه داده باشند حالا که چهار پنج سال گذشته نمیتوانیم بگویم آنوقت دو سال سنش کم بود حالا سنش تقاضا میکند حالا که الحمدالله ماشاءالله بزرگ شده دیگر چه اشکالی داریم ایشان آنوقت هم نائب نبودند بحمدالله که حالا نائب هستند ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین . آتنا و صدقنا اما توبه ایشان مثل توبه همه ماها میماند که در بین نماز که میخوانیم میگوئیم استغفرالله ربی و اتوب الیه و بقول یکی از رفا قصه انشاء نداریم و شاید در عین همان حال و همان ساعت همان تصدیق یا شبهه آن تصدیق را میکنیم . ببخشید اگر زیاد عرض کردم نمیخواهم اظهار فضل کرده باشم البته آقای مدرس بهتر از بنده میدانند اگر رجوع کنیم بکتاب مقدس نهج البلاغه در قسمت ثانی از خطب شخص اول عالم اسلام حضرت امیر المؤمنین (ع) ملاحظه خواهد شد که شخصی حضور مقدسشان عرض کرد استغفرالله ربی و اتوب الیه فرمودند تکلیک امک آیا معنی استغفار را میدانی و میگوئی استغفرالله ربی و اتوب الیه ؟ عرض کرد قربانت بروم معنی استغفار چیست فرمودند استغفار هفت شرط دارد یکی از شرایطش این است که آن گوشتی که در معصیت خداوند در بین روئیده شده است باید آنقدر در راه عبادت و ریاضت خداوندی مصرف شود که چیزی از آن باقی نماند و پوست و گوشت و استخوان مجد برود و سایر شرایطش گذر کرده آنوقت حق دارد بگوید استغفرالله ربی و اتوب الیه و آله آنوقت خداوند آن توبه را پذیرفته و قبول میکند و میبخشد البته ما هر چه

بگوئیم بخششان زیاد است بدرجه گذشت وبخشش خداوند رحمن و رحیم نخواهد رسید . خداوند عمل میخواهد والا بنده هم با آقای مدرس مخالفتی ندارم نمیخواهم نمودن سببشوم کسیکه دست بطرف ایران دراز میکند و میگوید من الان باشما برادر هستم دست خود را بکشم معاذ الله منم دست برادری بطرف ایشان دراز میکنم چرا ؟ که بکنفر ایرانی هستند در صورتیکه این توبه خودشان را با عمل پس از چندی اثبات بکنند تصدیق میکنم که ایشان يك عضو فعال و تحصیل کرده بااطلاع و جدی هستند و تمام صفات کار کردن در ایشان هست بنده که طرفدار معارف هستم مبلدارم که همه ایرانیان تحصیلشان باندازه ایشان باشد اما هیچوقت آرزو نمیکنم که غلبه ایشان مثل ایشان باشد یعنی تا چند روز قبل عملیات ایشان انصافاً خوب بود این چیزی نیست که بتوان آنرا پرده پوشی کرد والا بنده هیچ خیالی ندارم و نمیخواهم يك اشکال تراشیهائی بکنم والا وقتی که شروع به مذاکره انتخابات میشد میتوانستم حرف بزدم بی اطلاع هم نیستم که نمایانها ها هم کترشان با بنده رفیق هستند ایل سنجابی هم که انصافاً بزرگترین خدمتگذار مملکت است در موضوع شخص بنده کمال همراهی را داشته اما دیدم جریان این انتخاباتهم مثل جریان سایر انتخابات ایران است آنوقت که آقای رئیس فرمودند راجع بجران انتخابات حرفی دارید بنده اگر میخواستم اعمال بکنظریات خصوصی بکنم مثل حالا میتوانستم ساعت آقایان را معطل بکنم ولی نمیخواستم در این موضوع صحبت بکنم البته هر انتخابی يك اشکالی دارد ولی چون دریای همین منبر نطق دودمه بقرآن قسم خورده ام که حافظ حقوق ملی ایران باشم و وقت ملت ایران را مطابق قانون اساسی و قوانین دیگر حفظ کنم این است که میبینم یکی از کرده اند با نتیجه بنده با ایشان مخالفت دارم و حق میدهم بخودم از طرف دیگر همانطوریکه آقای مدرس فرمودند توبه ایشان را بنده هم موافق و قبول میکنم و دست بطرف ایشان دراز میکنم اما بعد از اینکه عملیات سابق خودشان را ترک بگویند بطوریکه خدمات ایشان را بعد از چندی کسی نتواند تردید بکند خدمت به ملت هم تنها و کالت مجلس شورای ملی نیست ممکن است این مسئله را رجوع بکسیون بکنند بنده نظریه شخصی ندارم و نظریه شخصی بنده جز معادله هفتم قانون انتخابات است و چون ایشان برخلاف حکومت ملی اقدام کرده اند بو کالت ایشان رای نمیدهم حالا میآئیم سر تلگراف لاسنیک خیلی کوچک است يك مسئله دیگر هم که ضمیمه قرار داد است راجع بمالیه بدیخت این مملکت است که باز امضاء شده و در این جریده نیست و این است یکس از خدمات کابینه وثوق الدوله که بعد در موقع دیگری خواهم خواند و اگر مصلحت میدانند حالا بخوانم . (بعضی اظهار نمودند بخوانید)

نصرت الدوله - همه را بخوانید .

سالمیان میرزا - شماره ۱۲۹ روزنامه رعد یعنی آقاسید ضیاعالدین مقاله نوشته اند که مختصراً

عرض خواهم کرد - (حقیقت چیست - حقیقت گویی است)
رئیس - آقایان مایل به تنفس نیستند ؟ که چند دقیقه تنفس شده دوباره آقای سلیمان میرزا نطق میکنند .
 (بعضی اظهار نمودند تلگراف را بخوانند بعد (بعضی من ذیل قرائت نمودند)
 اینک ابلاغیه سفارت امریکا - از طرف سفارت امریکا مورخه ۹ سپتامبر ۱۹۱۹ نظر بمطالبعبر واقعی که در مقاله مورخه نوزدهم اوت روزنامه رعد راجع بروه (ریزیدات ویلسن) و مأمورین صلح امریکا و مملکت اتازونی نسبت بایران مندرج بود مقتضی است ابلاغیه که از واشنگتن صادر شده است تقدیم دارد . طهران - سفارت امریکا دولت اتازونی بشما تعلیم میدهد نزد زمامداران ایران و اشخاص علاقمند این مسئله را تکذیب نماید که دولت اتازونی از مساعدت نسبت بایران امتناع ورزیده است . امریکا همواره علاقه خود را برای سعادت ایران بطریق بسیار اظهار و ابراز داشته نمائند گانیکه از طرف دولت اتازونی در کمیسیون صلح پاریس عضویت داشته اند مکرر کوشش و مجاهدت کرده اند سخنان نمایندگان ایران را در کنفرانس صلح مورد استماع قرار دهند نمایندگان امریکا متعجب بودند چرا مجاهدات آنها بیش از این بتقویت و مساعدت تلقی نمیشود لیکن اکنون معاهده جدید معلوم میدارد که بچه علت امریکائیها قادر بودند سخنان نمایندگان ایران را باصفا برسانند و نیز معلوم میگردد که دولت ایران در طهران با مساهم نمایندگان خود در پاریس مساعدت و تقویت کافی ننمود . دولت اتازونی معاهده جدید ایران و انگلستان را با تعجب تلقی مینماید . معاهده مزبوره معلوم میدارد با وصف آنکه نمایندگان ایران در پاریس علناً و مؤکداً طالب مساعدت و همراهی امریکا بودند ایران از این بعد مایل بکمک یا تقویت امریکا نمی باشد .

سلیمان میرزا - باری این مراسم سفارت

که روزنامه رعد در این شماره درج کرده و آقای طباطبائی هم مختصری اظهار کردند شاید اثبات می کند که این هیئت که اول از طرف کابینه وثوق الدوله بارویا رفت و مشارالیه مالک رئیس آنها بود بعضی اقدامات کردند و شاید آن هیئت در آنجا با نمایندگان امریکا بعضی صحبتها کرده باشند و بعضی دیگر شکایاتی از آنها بدولت ایران کرده باشند . مطابق این تلگراف امریکا با آنها همه قسم در کنفرانس صلح بین المللی مساعدت کرده و لاینقطع دیده اند که این کار از آنها پیش نمیرود و آنوقت هنوز معاهده بین دولتین در جریان خصوصی بوده بعد که معاهده بیرون آمده امریکائیها استدرک میکنند که علت اینکه نمایندگان ایران با وجود تقویت دولت بزرگی مثل امریکا در آنجا کارشان پیش نمیرفت از طهران با آنها کمک میشده و این کمک هم از طرف وزیر خارجه بوده او کمک میکرد و شاید

میتوان گفت مسئله قدری همی ثابت شده بعد از اینکه وزیر خارجه بارویا رفته اند هیئت را تغییر داده اند و معزول کرده اند باری اینها بصورت است اما راجع بضمیمه قرارداد شاید آقایان شنیده باشند بنده نشنیده باشم نمیدانم بهر حال بنده نسخه فرانسه را بدست آورده ام و خودم ترجمه کرده ام اگر در ترجمه آن تغییر و قصوری شده است شاید بواسطه بی اطلاعی بنده از فرانسه بوده است (متن قرارداد مالیه) به بنیم آقایان چه بلائی برسما در آورده اند در آن تاریخ هم که هنوز توبه نکرده بودند . قرارداد بین دولت انگلیس و دولت ایران .
 ۱ - دولت انگلیس قبول مینماید يك قرضه دو میلیون استرلینگ با قسط در تاریخی که توسط دولت ایران تعیین میگردد پس از آنکه مستشار های مالیه دولت انگلیس در تهران شروع بکار نمایند بدولت ایران مطابق قرار دادیکه در فوق پیش بینی گردید بدهد .
 ۲ - دولت ایران متعهد میگردد که برای کلیه وجوهاتیکه مطابق ماده ۱ تا تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۲۱ داده میشود ۷ در صد تنزیل بدهد و پس از این تاریخ هر ماهه بمبالغ لازمه را برای پرداخت اصل و منافع از قرار ۷ در صد تا مدت ۲۰ سال بپردازد .
 ۳ - تمام عایدات گمرکی که بموجب کنترات ۸ مه ۱۹۱۱ برای تأدیه قرض ۱۲۵۰۰۰۰ لیره تخصیص داده شده بود برای پرداخت قرض حاضر تخصیص داده شده با ادامه تمام شرطی که در کنترات مذکور بعمل آمده است با حق تقدم از تمام قروض با استثنای قرض ۱۹۱۱ و مساعده هائیکه بعد هاتوسط انگلیس داده میشود . چنانچه عایداتیکه در فوق ذکر گردید کفایت ننماید دولت ایران متعهد می شود مسالح لازم را بوسیله عایدات دیگری تأدیه نماید و برای این مقصود دولت ایران بموجب مراتب حاضره برای این قرض و مساعده های دیگر که در فوق ذکر شد یا حق تقدم و ادامه دادن شرایطی که در فوق تعیین گردید تمام عایدات گمرکی کلیه مناطق را تا حدیکه در تحت اختیار خود دارد تخصیص میدهد .
 ۴ - دولت ایران حق دارد هر موقعی که خواسته باشد قرض حاضر را بوسیله قرضه دیگری از دولت انگلیس بپردازد ۹ اوت در طهران با امضاء رسیده است .
نصرت الدوله - در همان موقع چاپ شده است .
سلیمان میرزا - بنده عرض کردم و اول عنرش را خواستم که نمیدانم باز اینجایکندری دیگر هم هست اگر اجازه بفرمائید آنرا هم بخوانم کاغذ ثانی سرریس کاکس بعنوان رئیس الوزراء مورخه ۹ اوت ۱۹۱۹ در خصوص مبحث دومی که در کاغذ سابق اینجانب مورخه امروز ذکر گردید در بین دولتین توافق نظر حاصل گردیده که از طرفی دولت انگلیس مطالبه مخارج نگاهداری قشونی را که بواسطه عدم

استطاعت دولت ایران از حفظ بیطرفی خود مجبور بوده است بایران اعزام دارد نمینماید . و از طرفی هم دولت ایران مطالبه خساراتی را که وجود قشون مزبور در خاک ایران موجب میگردد نخواهد نمود . واضح است که این قرارداد فیما بین تقاضاهای اشخاص یا مؤسسات را که جدا گانه در تحت مطالعه گذاره میشود لغو نخواهد کرد . يك یادداشت از طرف حضرت اشرف بنام دولت ایران که حاکی از قبول این قرارداد داد باشد برای عقد قرارداد دولتین کفایت خواهد کرد .
سلیمان میرزا - این است آنچه گذشته است بر سر مملکت بدیخت ما در کابینه وثوق الدوله اگر دوسیه های خصوصی وزارت خارجه در دست باشد خیلی از این تلگرافات قشنگ را شاید بخوانیم بارها گفته شده که این قرارداد منجوس لغوشده و بنده تا حال اسمی از این قرارداد مالیه نشنیده بودم و حالا فرمودند چاپ شده بنده نمیدانم حالا میشنوم البته آن قرارداد که لغو شده ضمیمه اش بطریق اولی لغو است ولیکن چون این راجع بمالیه است و از وظایف حتمیه عموم و کلاست و حتی و بنده هم که اعتبار نامه ام هنوز نگذشته چون مدعی الو کاله هستم عرض میکنم وظیفه عموم و کلاست که در عمل مالیه مداخله بکنند بنده استدعا دارم از تمام آقایان رفقای خودم که یقین دارم با بنده هم عقیده هستند تصدیق بکنند فریاد کنند که این قرارداد و سایر قراردادها لغو وملغی و بهیچوجه رسمیت بآنها داده نمیشود و ساقط است (جمع کثیری تصدیق کردند) و مجلس شورایی ملی با اتفاق کلمه این نوع قراردادها را منقور میدانند و عملاً اورا لغو و در اولین امکان بر بطلانش رای خواهد داد .
مدرس - توضیح دارم .
رئیس - ده دقیقه تنفس میکنیم بعد از تنفس توضیح بدهید .
مدرس - خیلی مختصر است .
رئیس - بفرمائید .
مدرس - هر چند شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن فرمایشاتشان مطلب مرا يك تجویبان دیگر فرمودند : اولاً بنده عرض کردم که این ۶۸۴ نفر موافقین قرار داد باید در محکمه محاکمه بشوند ! مقصر ! قاصر ! کاسب ! عمله ! معین بشود و بهر کس بقدر تقصیر مجازات داده شود بنده منکر مجازات نیستم شما میفرمائید مجازات . مجازات میگویم این ۶۸۴ نفر را با عملیاتشان ضبط کرده ام که اگر يك مجلس شورایی ملی برپا شود و يك حکومت ملی پیدا بشود اینها را باید در تحت محاکمه بکشند اما مقصر مجازاتی دارد . سیاسی مجازاتی دارد . قاصر مجازاتی دارد ناطق مجازاتی دارد . ساکت مجازاتی دارد پس آنرا باز تکرار میکنم که مقصر باید مجازات شود توبه کرک مرک است میگویم يك دولتی یا از روی تقصیر یا از روی قصور خواست بعقیده خود يك قرار دادی بگذارند و ملت هم آمدند و فریاد زدند مضرت مضرت است عاقبت پیشرفت با ملت ضعیف شد این دلی

بقانون انتخابات ندارد دلی بصلاحت ندارد دلی بقیام واقدم بر ضد حکومت ملی ندارد دوست داریم که حضرت والا امروز که بمجلس آمده وان شاء الله همانطور که سی ماه با هم درس فرمودیم بسادگی با هم داخل سیاست شویم ان شاء الله مغالطه و مشتبه کاری نکنند شاید مردم خیال کنند که مجلس خیلی بد است ولی بعقیده بنده باین بدیها که مردم خیال میکنند نیست امید است باتفاق کار های بزرگ و سیاستهایی که شما ها میدانید نسبت بخارجه و داخله از لاستیک در آمده مجدداً عرض میکنم مذهب من اجازه نمیدهد که مقصراً نباید مجازات داد میگویم محکمه که رسیدگی بکنند که آقای وثوق الدوله عن تقصیر یا عن قصور این قرارداد را بسر تفهید و پیش بینی نکرد که این قرارداد هم از برای مامض است وهم برای همسایگان نتیجه او بر همسایگان این شد که تمام ایرانیان از انگلیس مکرر و متنفر شدند و ما هم فهمیدیم که بدینات و استقلال ما ضرر دارد لهذا جلوگیری کردیم اگر دولتی قراردادی ببندد بر خلاف صلاح مملکت نمیتوان او را مصداق اقدام برخلاف حکومت ملی قرار داد هیچ مناسبت ندارد . (جمعی گفتند صحیح است) خواهش دارم اگر حضرت والا بقدر من آقای نصرت الدوله را نمیخواهند اسم دیگری رویش بگذارند غیر از اینکه قیام و (اقدام بر ضد حکومت) ملی نمودند اظهار دیگر بفرمائید من و حضرت والا مهاجرت کردیم به نیت خوب نتیجه بد درآمد تقصیر ما چه بود در بیابانها در جنگلها در دریا ها سفر کردیم ما در جنگلها با لو ط هم میخوردیم بامیدواری اینکه نتیجه او خوب شود چکنیم خدا نخواست تقصیر با کی است خدا شاهد است بایک عقیده صاف و پاکی بدولت و ملت رفتیم که چیزی برای ملت بیآوریم ولی نشد . وثوق الدوله با رفقای خود پیش بینی نکردند که این قرارداد مضر بدینات و استقلال این آب و خاک است من وامثال من در همان ساعت اول این ضرر را ادراک کرده و عموم ملت موافقت کردند آقای طباطبائی که فرمودند قرض کردن و امتیاز دادن و و اقدام بر ضد حکومت ملی است خوب است دولتی را معرفی نمایند که برخلاف این مواد رفتار نکرده (گفته شد صحیح است) اشکالات راجع بان انتخابات که فرمودند جواب آنها با آقای حاج شیخ اسدالله است اهتمام من بمسئله سیاست است که نصرت الدوله بجهت موافقت با قرار داد و صلاحیت و کالت مجلس شورایی خارج میشود یا خیر حضرت والا فرمودند قسم خوردیم من قسم خورده و قسم نخورده غیرواقع را نمیگویم نه اقدام میکنم و نه قبول میکنم .
رئیس - آقای مدرس باسم توضیح يك نطق مفصلی فرمودند ده دقیقه تنفس است .
 (در این موقع آقایان نمایندگان از مجلس خارج شده و پس از یک ربع ساعت مجدداً مجلس تشکیل شد)
رئیس - قصد بنده این بود که بعد از تنفس

مذاکرات اعاده شود بخیل آنکه امروز بخت مسئله که مطرح مذاکره بود موفق بشویم ولی معلوم میشود که عده آقایان ناطقین زیاد است اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بماند برای روز سه شنبه .
محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد میکنم فردا باشد .
رئیس - عده برای گرفتن رای کافی نیست موافق معمول هم دوشنبه تعطیل است اگر آقایان موافق باشند بماند برای روز سه شنبه . يك مسئله دیگر را هم میخواستم به آقایان تذکر بدهم و آن این است که چنانچه ملاحظه فرمودید این دو جلسه گذشته هیچ شباهتی بسایر مجالس نداشت و بنده عمداً از اجرای حدود و نظامات و اختیاراتیکه در نظامنامه قید شده صرف نظر کردم برای اینکه گفته نشود مانع آزادی نطق شده ام و میخواستم تمام مطالب گفته بشود ولی از آقایان عموماً خواهش منم از بعضی عبارات که ممکن است سوء تفسیر بشود خودداری بفرمائید چون لفظ آدم کشی و بعضی عبارات دیگر گفته شد و بنده خیلی مایل هستم اینطور تصور بکنم که از روی اشتباه بوده و حاکی از حسیات آقایان ناطقین نبوده امیدوارم در جلسات دیگر رعایت این نکته کاملاً بشود که بنده مجبور نشوم متوسل بمفاد مواد نظامنامه داخلی بشوم و همانطوریکه دلخواه خودم است میخواهم طوری باشد که کاملاً از روی آزادی مطالب هر چه هست گفته بشود . جلسه آتی را هم عرض کردم روز سه شنبه ۲۷ چهار ساعت قبل از ظهر خواهد بود .
 (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس مؤتمن الملک
جلسه ۶
صورت مشروح مجلس صبح یوم سه شنبه ۲۷ ذی قعدة ۱۳۳۹ مطابق
دهم اسد ۱۳۰۰
 مجلس دوساعت ونیم قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .
رئیس - صورت مجلس قرائت میشود (آقای مستشار السلطنه صورت مجلس را قرائت فرمودند)
رئیس - راجع بصورت مجلس مغالطی هست یا نیست ؟
حاج شیخ اسدالله - راجع بخروج نمایندگان از مجلس برای تنفس با اجازه رئیس بوده نه به میل خودشان .
رئیس - تنفس بر حسب میل مجلس است نه بر حسب اجازه بنده
مدرس - نسبت به توضیحی که در آخر مجلس عرض کردم در صورت مجلس هیچ اشاره نشده است .
رئیس - این صورت خلاصه است توضیحاتی که فرمودید در صورت مشروح مجلس نوشته اند از ظهر به بعد در اطلاق تنفس حاضر خواهد بود هر يك از